

نقش و جایگاه امیر خسرو در شعر فارسی

محمد حسین کرمی*

امیر خسرو را باید یکی از بزرگترین شخصیت‌های خودساخته و استعداد‌های نیک پرداخته دانست؛ کسی که زندگی و آثار او شگفت‌انگیز و مثال‌زدنی است و می‌توان آن را به عنوان یک الگوی استعداد و پشتکار مطرح کرد.

در دنیا افرادی که اهل یک زبان باشند و به زبان‌های دیگر آثاری به وجود آورده باشند کم نبوده و نیستند، اما حکایت امیر خسرو متفاوت است. چون این مرد بزرگ که در اصل از خانواده‌ای ترک زبان برآمده و در هندوستان رشد و نمو کرده و تازه هفت سال داشته که پدر و مربی خود را از دست داده است، در بسیاری از هنرها سرآمد دیگران بوده است و در شعر و ادب سه زبان مختلف، یعنی فارسی و تازی و هندی آثار ارزشمندی از خویش به یادگار نهاده است.

امیر خسرو که گاهی طوطی زبان‌آور هند و گاهی سعدی هندوستان خوانده شده، انصافاً دارای استعدادی شگرف، طبعی روان، سخنی دل‌فریب، ذهنی وقاد و ذوقی سلیم بوده است، به طوری که در شعر و ادب فارسی بدون اینکه از استادی کسب مهارت کرده باشد، بلکه با مطالعه و دقت در دیوان‌های شعر و توجه به ظرایف آنها، توانسته به این درجه از شعر فارسی دست یابد.

از همین جا می‌توان حدس زد که اگر این مرد، زبان مادری‌اش فارسی می‌بود و در محیطی کاملاً فارسی زبان رشد می‌کرد و استادانی ورزیده او را تربیت می‌کردند، می‌توانست از شاعران کم‌نظیر ادبیات فارسی باشد. امیر خسرو در اغلب قالب‌های شعر

* دانشیار دانشگاه شیراز، ایران.

فارسی، از قبیل مثنوی‌های عرفانی و یزمی، قصیده، غزل، قطعه و رباعی هنرنمایی کرده است و خود با صداقت تمام، نام شاعرانی را که به تقلید از آنها اشعارش را سروده بیان کرده است.

ما در این مقاله با استناد به اشعار امیر خسرو و نشان‌دادن نمونه‌هایی از هنرمندی او، موقعیت و مرتبه شاعری او را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

برای این‌که مطالب این مقاله نظم و نسقی داشته باشد و دسترسی به مطالب آن برای خوانندگان ساده‌تر باشد، آن را به بخش‌های زیر تقسیم کرده‌ایم:

الف: از امیر خسرو چه انتظاری باید داشت؟

ب: آیا امیر خسرو شاعری موفق است؟

ج: نقش امیر خسرو در خمسه‌سرایی

د: جامعیت کار امیر خسرو

ه: جنبه‌های هنری و آرایه‌پردازی در آثار امیر خسرو

الف: از امیر خسرو چه انتظاری باید داشت؟

پیش از آن‌که هر سخن و بحثی را درباره امیر خسرو طرح کنم، یادآوری می‌کنم که امیر خسرو در خانواده‌ای چشم به جهان گشوده که ظاهراً زبان مادری آنها ترکی است و تمامی ترکان آنقدر تعصب زبانی دارند که در هر شرایطی، حتی اگر دو نفر از آنها در میان دیگر زبانان باشند، حتماً به زبان ترکی سخن می‌گویند. تا چه رسد به یک خانواده! پس امیر خسرو باید خارج از خانواده فارسی را آموخته باشد.

نکته مهم دیگر این است که این خانواده در سرزمینی زندگی می‌کنند که زبان بومی آنها فارسی نیست، اکثر قریب به اتفاق آنها به زبان هندی سخن می‌گویند، هرچند گروه‌هایی، به ویژه در دربار به عنوان زبانی رسمی - نه بومی و قومی - به زبان فارسی سخن می‌گویند و می‌نویسند.

از اینها سهم‌تر هیچ کدام از افراد خانواده یا اجداد امیر خسرو، اهل شعر و شاعری و سخنوری نبوده، بلکه همگی از طرف پدر و مادر لشکری و نظامی بودند و حتی خسرو نیز عنوان «امیر» که عنوانی لشکری است دریافت کرده. حال یکباره یک نفر از میان

چنین خانواده‌ای و در چنین اوضاع و احوالی شاعر شده است، آن هم شاعر فارسی‌گوی! حالا باید از چنین شخصی و در چنین شرایطی تا چه حد انتظار داشت؟ آیا باید انتظار داشت که شاعری در حد سعدی و حافظ و مولوی و حتی سنایی و نظامی باشد؟

جالب است که همین خسرو از کودکی شعر می‌گفته، بدون آن‌که استادی بالای سرش باشد و او را آموزش دهد. بخش نخست دیوانش متعلق به ۱۵ تا ۱۹ سالگی اوست. او از چنان ذوق و استعدادی برخوردار بوده که با خواندن شعر دیگران مثل آنها شعر می‌گفته. چنانکه در *غرّة الکمال* نوشته است:

“در آن صغر سن که دندان می‌افتاد سخن می‌گفتم و گوهر از دهانم می‌ریخت.”

و در *تحفة الصغر* نوشته است:

“چون مرا استادی سرآمده بر سر نیامده که بر دقایق شعر پارسی دلیل شندی و آهوی مشکبار خامه را از سوی ختا باز آوردی، تا یک مدت از پیش خود شعر می‌گفتم و به جای استاد، دواوین اساتید باستان را پیش‌رو می‌گذاشتم و از آنها بدان‌گونه فایده می‌بردم که شاگردی از استادی زنده شاعری و سخنوری آموزد.”

درباره‌اش نوشته‌اند:

“در سن ۲۰-۱۵ سالگی بر تمامی دانش‌های روزگارش احاطه پیدا کرده.”

و علاوه بر ترکی، بر زبان‌های فارسی، عربی و هندی مسلط بوده و آثاری بدانها پدید آورده است. از مقایسه‌ای که در *دیباچه غرّة الکمال*، میان امکان شاعری در فارسی و عربی به عمل آورده می‌توان به مهارت و میزان سلطه او در دو زبان پی برد:

۱- در عربی زحافتی است که اگر آنها در فارسی باشند کلام ناموزون درمی‌آید و از این ثابت می‌شود که اوزان فارسی به قسمی منضبط و لطیفند که ذره‌ای تحمّل کم و بیشی را نتوانند کرد.

۱. قویم‌الدوله، علی اکبر، امیر خسرو دهلوی عارف جلیل و شاعر نامی پارسی‌گویان هند، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۷۹.

۲- در زبان تازی برای هر چیزی یک یک، واژه‌های عدیده مترادف وجود دارد، بدین جهت شاعری و سخن‌سرایی آسان است. برعکس در فارسی الفاظ آن نهایت درجه محدود می‌باشد و با وجود این، میدان سخنوری بر سخن‌پردازان فارسی تنگ نیست.

۳- در زبان تازی فقط قافیه است، ردیف نیست. علاوه بر این یک شاعر عرب هر گاه به ایران بیاید و سالها در آنجا توقف کند، باز در زبان فارسی نمی‌تواند شعر گوید، لیکن شاعر ایرانی، بی‌تکلف در عربی سخن‌سرایی می‌کند.^۱

ب: آیا امیر خسرو شاعری موفق است؟

زندگی و شعر امیر خسرو چنان تحسین برانگیز است که گمان نمی‌کنم کسی با شعر و ادب فارسی آشنا بوده، زندگی و آثار او را مطالعه کرده باشد و او را ستایش و تحسین نکرده باشد!

پس اگر بخواهیم تمام گفته‌های دیگران را در مورد امیر خسرو بیان کنیم، علاوه بر دراز دامن شدن، چندان فایده‌ای ندارد. پس به مصداق:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

به بیان برخی از آنها بسنده می‌کنیم.

امیر خسرو در شعر فارسی و در میان ایرانیان بی‌نظیر نیست، اما کم‌نظیر است، و شعرش در آن حد است که کسی چون استاد رضازاده شفق او را شاعری درجه اول بشمرد:

”وی را از جهت کثرت اشعاری که به او نسبت داده‌اند و از آنچه از او باقی مانده،

می‌توان شاعری درجه اول شمرد“^۲.

علاوه بر این امتیازاتی که دکتر شفق برای امیر خسرو آورده و از روزگاران گذشته

نیز به امیر خسرو نسبت داده‌اند چنین است:

”او را از لحاظ وسعت افکار و کثرت اشعار، «سعیدی هند» نامیده‌اند“^۱.

همچنین امیر خسرو را طوطی هند خوانده‌اند و گفته‌اند حافظ در بیت معروف خو به این لقب توجه داشته که:

شکرشکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

همچنین ایشان به این نکته اشاره دارند که:

”امیر خسرو نه تنها در قصه‌گویی به حکایات گذشته پرداخته، بلکه قصه‌های معاصر را نیز به نظم آورده است، چنانکه منظومه خضر خان و دولرانی را به طرز قصه مؤثری... ساخته است“^۲.

یکی دیگر از نقش‌های برجسته و بسیار مهم امیر خسرو در شعر فارسی، رواج توسعه هرچه بیشتر شعر فارسی در کشور هندوستان و روی آوردن افراد فراوانی پس از او به شعر فارسی است. این نقش آنقدر مهم است که با این که سبک شعری که به سبک هندی معروف است حدود دو قرن با روزگار امیر خسرو فاصله دارد اما می‌توان امیر خسرو را آغازگر این سبک شمرد. زیرا علاوه بر تأثیر شگرفی که وجود امیر خسرو و اشعار فراوانش در پدید آمدن شاعران دیگر در آن دیار داشت، لحن زبان خاص امیر خسرو و تداوم آن به وسیله شاعران دیگر، به تدریج منجر به ایجاد سبک هندی شد، چنان‌که استاد رضازاده شفق نیز نوشته است:

”توان گفت که امیر خسرو لحنی خاص دارد که آن در دیگر شعرای پارسی زبان هند نیز به تفاوت مراتب دیده می‌شود و این سبک بود که به تدریج صورتی مخصوص کسب کرد و سبک معروف به هندی را به وجود آورد“^۳.

جامی شاعر بزرگ قرن نهم هجری که خود نیز در انواع نظم و نثر صاحب آثار فراوان است، به امیر خسرو توجه زیادی داشته است و از آثارش تأثیر پذیرفته و دربار آنها اظهار نظر کرده است.

۱. باید توجه داشت که عنوان «سعیدی هند»، بیشتر لقب حسن دهلوی است، نه امیر خسرو.

۲. شفق تبریزی، [دکتر] صادق رضازاده، تاریخ ادبیات ایران، ص ۴۷۵.

۳. همان، ص ۴۷۹.

۴. همان، ص ۴۷۶.

۱. قویم‌الدوله، علی اکبر: امیر خسرو دهلوی عارف جلیل و شاعر نامی پارسی‌گویان هند، ص ۱۰۹.

۲. شفق تبریزی، [دکتر] صادق رضازاده، تاریخ ادبیات ایران، ص ۴۷۵.

او دیوان اشعار خود را به شیوه امیر خسرو تقسیم کرده است که گفته‌اند به اشاره امیر علی شیرنوازی بوده است:

امیر خسرو دیوان خود را به "محفة الصغر، وسط الحیات، غرة الکمال و بقية نقيه تقسیم کرده"، و جامی به فاتحة الشباب، واسطة العقد و خاتمة الحیات.

جامی، امیر خسرو را در داستان‌سرایی درست پشت سر نظامی دانسته، و در خردنامه اسکندری اشعار نظامی را گوهر و سروده‌های امیر خسرو را به زر ده‌دهی تعبیر کرده است.^۱

ز ویرانه گنجه شد گنج سنج رسانید گنج سخن را به پنج
چو خسرو بدان پنجه همینجه شد وزان بازوی فکرتش رنجه شد
کفش بود زان گونه گوهر تهی زرش ساخت لیکن زر ده‌دهی

او همچنین در نوحات الانس، در معرفی امیر خسرو نوشته است:

"تود و نه کتاب تصنیف کرده است و می‌گویند در بعضی مصنفات خود نوشته است که اشعار من از پانصد هزار کمتر است و از چهار صد هزار بیشتر"^۲.

جامی در بهارستان نیز نوشته است که "جواب خمسه نظامی را کسی بهتر از خسرو نوشته است"^۳.

یکی از شاعران دیگری که در مورد امیر خسرو اظهار نظر کرده است، امیر هاشمی کرمانی، شاعر قرن نهم هجری است که خود نیز از مقلدان نظامی است و به تقلید از مخزن الاسرار، مظهر آثار را سروده است. او در کتاب خود از هنر امیر خسرو و مفاهیم بیچ در بیچ مطلع الانوار و مطالبی که همه اسرار حقایق و اشارات دقایق و بیانگر علم لدنی است، سخن گفته است:

چسون ز قضا لایحه نو رسید کوکبه نوبت خسرو رسید

۱. در حقیقت تعبیر زر ده‌دهی از خود امیر خسرو است و جامی گویی آن را تأیید کرده است (جامی خراسانی، مولانا نورالدین عبدالرحمن: بهارستان، ص ۸۸).

۲. آن زر (هفت پیکو) از چه سره است معیارش نیست چیز ده‌دهی من بارش (خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: هفت بهشت، ص ۳۱۸)

۳. جامی خراسانی، مولانا نورالدین عبدالرحمن: نوحات الانس، ص ۶۰۷.

۴. جامی خراسانی، مولانا نورالدین عبدالرحمن: بهارستان، ص ۸۸.

خامه برآورد به فکر جواب مانند قلم بر ورق آفتاب
خامه خسرو چو گهر بار شد نامه او مطلع انوار شد
کرد در آن نامه تکلف بسی گفت جوابی که نگوید کسی
فهم رموزش نکند هرکسی زان که معانی است بسی در بسی
زبده اسرار حقایق همه محض اشارات دقایق همه
گفته او در نظر نکته‌دان می‌دهد از علم لدنی نشان^۱

بدون تردید امیر خسرو یکی از شاعران موفق زبان فارسی است و بر روند شعر فارسی تأثیر نهاده است. او هم در ایجاد لحن و زبانی خاص، به ویژه آنچه به تدریج سبک هندی را به وجود آورد، مؤثر بود و هم در منظومه‌سرایی و تأثیر شگرف بر کسانی که خمسه‌سرایی کرده‌اند. این شاعر به دلیل هنرمندی خویش مورد حسادت هم‌عصران قرار گرفته است:

مرا زین خزینه که دادم به دهر دروغ آفرین^۲ است، از خلق بهر
چو زین نقد پُر، کیسه من تهی است حسد بردن دشمنان ز ابلهی است
... هر آن طعنه کز کم عیاران بود به پیرامن مایه‌داران بسود
توانگر، ز رهزن بود ترسناک تهی کیسه را از گره بر چه باک^۳

ج: نقش امیر خسرو در خمسه‌سرایی

یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کارهای امیر خسرو، سرودن خمسه‌ای به شیوه و سبک نظامی گنجوی است. اما از آنجا که حکیم نظامی شاعری صاحب سبک و بسیار تواناست و موجد و مروج نوع خاص ادبی یعنی منظومه‌سرایی است و طرح هر پنج گنج در ادب فارسی نخستین بار به وسیله او و در اوج هنرمندی انجام گرفته است، شاعری که بخواهد در این حوزه موفق شود، باید از نظامی بسیار تواناتر و خوش‌ذوق‌تر باشد و سخن خویش را با سبک و شیوه‌ای عالی‌تر بسراید تا بتواند فضل متقدم را نیز خنثی نماید. اما به نظر می‌رسد که از میان بیش از دو صد شاعری که طی چند قرن

۱. صفای سمنانی، [دکتر] ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۷۸۸.

۲. دروغ آفرین یعنی آفرین گفتن دووغین، و خالی بدون هر صله و جایزه.

۳. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: آینه اسکندری، ص ۲۳.

به تقلید از نظامی به منظومه‌سرایی پرداخته‌اند. نه امیر خسرو نه هیچ کس دیگر موفق به چنین کاری نشده باشد و تقریباً همه آنها نیز به این موضوع اقرار دارند. چنانکه امیر خسرو می‌گوید:

هنرپرور گنجه‌گویای پیش که گنج هنر داشت ز اندازه بیش
نظر چون بر این جام صهبا گماشت ستد صافی و دُرد بر ما گذاشت
من ارچه بدان می‌گران سر شوم کجا با حریفان برابر شوم...
چو گوهر همه سفت گوهرپذیر من از مهره سفتن ندارم گزیر^۱

اما با وجود این، خمسه‌سرایی امیر خسرو از چند نظر دارای اهمیت فراوان است. از جمله مهمترین نقش امیر خسرو، در رونق کار نظامی و رواج خمسه‌سرایی است، به طوری که می‌توان مدعی شد که نقش امیر خسرو در رواج خمسه‌سرایی حتی از نظامی هم بیشتر است. در حالی که همه محققان بر تأثیر نظامی بر امیر خسرو تأکید دارند، همه آنها از نقش بسیار مهمی که امیر خسرو در مطرح کردن نظامی و راه‌اندازی خمسه‌سرایی داشته غافل مانده‌اند.

محققان نشان داده‌اند که بیش از دویست نفر پس از نظامی و تحت تأثیر او خمسه سروده‌اند و حال آنکه بنابر تحقیقی که نگارنده داشته است، تا پیش از یک قرن که امیر خسرو خمسه خود را سرود، هیچ‌کس دست به سرودن خمسه نزده است، اما پس از امیر خسرو گویی که نهضتی در این شیوه اتفاق افتاد و مقلدان یکی یکی پای به میدان نهادند و هر کدام بنابر میزان توان و قدرت خویش یک یا چند اثر به تقلید از خمسه سرودند. پس در حقیقت عامل و محرک اصلی در طرح دوباره نظامی و ایجاد نهضت خمسه‌سرایی حتی بیش از حکیم نظامی، امیر خسرو است.

پس سخن امیر خسرو در مطلع الانوار ادعا نیست، حقیقت است؛ آنجا که سروده است:

سازم از آن سان به سرای سینج پنج کلید از پی آن پنج گنج
کانچ به هر گنج بود ناپدید فتح شود هم ز زبان کلید

سکّه آن کار مسلم کنم سکّه خود نیز بدان ضم کنم^۱

نکته بسیار مهم دیگر در خمسه‌سرایی این است که به گواهی اکثر قریب به اتفاق خمسه‌سرایان و خمسه‌خوانان و محققان، پس از نظامی، امیر خسرو بهترین خمسه را سروده است و این در شعر فارسی مرتبه کمی نیست! جامی نوشته است:

“خمسه نظامی را کسی به از وی جواب نداده است.”^۲

اما باید اذعان کرد که پنج اثر امیر خسرو همه در یک سطح نیستند؛ برخی ضعیف و برخی دیگر عالی است، و شبلی نعمانی در این باره خوب قضاوت کرده که نوشته است:

“در مقایسه با آثار نظامی، مطلع الانوار نیخته و خام به نظر آمده و آیینه اسکندری خالی از لطف... است. اما تفاوت مجنون و لیلی او با نظامی بسیار دقیق و باریک است، به طوری که اگر دو متن را کنار هم بگذاریم، شناخت شاعر آنها بسیار دشوار است.”^۳

یکی از هنرهای دیگر امیر خسرو در سرودن خمسه این است که با وجود شغل‌های فراوان دیوانی و گرفتاری در دربار، در مدتی کوتاه یعنی دو تا سه سال مجموعه خمسه را سروده است، در حالی که از آثار نظامی برمی‌آید که سرودن خمسه‌اش حدود ۳۰ سال به طول انجامیده است. اگرچه مدتی از این سالها صرف گزینش و انتخاب داستان‌ها شده باشد، که امیر خسرو به چنین زمانی نیازمند نبوده است. همچنین حجم خمسه نظامی حدود دو برابر خمسه امیر خسرو است، اما زمانی که نظامی صرف سرودن خمسه کرده است، ده برابر امیر خسرو است.

ویژگی دیگر آثار امیر خسرو، سادگی، روانی و همه فهم بودن آثار اوست. با این که در هر نوع و قالب، بنابر اقتضای آثار مورد توجهش و موضوع آنها، زبان و سبکی

۱. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: خمسه خسرو، ص ۳۰.

۲. جامی خراسانی، مولانا نورالدین عبدالرحمن: بهارستان، ص ۸۸.

۳. شبلی نعمانی، شمس‌العلما محمد شبلی: شعرالمعجم، ص ۷-۱۱۵.

۱. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: آیینة سکندری، ص ۲۷.

خاص دارد، اما روانی، فصاحت کلام و همه فهم بودن، ویژگی مشترک همه آنهاست. جامی در بهارستان دربارهٔ غزل امیر نوشته است:

”غزل‌های وی را به واسطهٔ معانی آشنا که در باب عشق و محبت، به حسب ذوق و وجدان خود آن را درمی‌یابند مقبول همه کس افتاده است“^۱.

همچنین اشعار ساده عاشقانه و صریح او به نوعی است که غلام علی آزاد بلگرامی، امیر خسرو را پایه‌گذار سبک وقوع دانسته و نمونه‌هایی از اشعار او را مثال آورده است:

چو سوی من نگرده زو نظر بگردانم

د: جامعیت و تنوع آثار امیر خسرو

معمولاً هر کدام از نویسندگان و شاعران، از میان شیوه‌ها و قالب‌ها و انواع ادبی نظم و نثر، تنها در یک شیوه ممتازند. در شیوه‌ها و انواع دیگر ادبی یا تلاشی نکرده‌اند، یا اگر تلاشی کرده‌اند چندان توفیقی نداشته‌اند. اما امیر خسرو از جمله ادیبانی است که در انواع قالب‌های نظم و نثر آثاری از خویش به یادگار نهاده و در اغلب آنها موفق بوده، هر چند سرآمد نبوده است.

شبلی نعمانی امیر خسرو را از جهت جامعیت آثار در هند و حتی ایران بی‌نظیر دانسته است، و چند نفر از شاعران بزرگ مثل فردوسی، سعدی، حافظ، انوری و عارفی را نام برده و امیر خسرو را از این لحاظ بر همه برتری داده است. سخنان او چنین است:

”باید دانست که در هند از ششصد سال به این طرف کسی به جامعی امیر خسرو نیامده است و اگر راست گفته شود، در ایران و ممالک عثمانی هم در طول مدت هزار سال، اگر کسانی بدین جامعی و دارای این همه کمالات و هنرهای گوناگون پیدا شده باشند، انگشت شمار و فقط یکی دو چار خواهند بود... در جهانگیری خسرو، غزل، مثنوی، قصیده، رباعی همگی داخل می‌باشند و بخش‌های کوچک سخن هم از قبیل تضمین، مستزاد، صنایع و بدایع آن

به قدری است که از شمار خارج می‌باشد. از لحاظ تعداد اشعار هم بخواهید احدی با او نمی‌تواند در این خصوص همسری نماید“^۲.

او در جایی دیگر نوشته است:

”فردوسی و نظامی در مثنوی، انوری و کمال در قصاید، سعدی و حافظ در غزل [مهارت دارند] ولی وقتی آنها هر کدام از نوع دیگر وارد می‌شدند، سخنانشان از لطف می‌افتاد، برخلاف امیر خسرو که در همهٔ اقسام سخن، از قبیل قصاید، غزل و مثنوی یگسان مهارت داشته است... در مثنوی بعد از نظامی کسی تا به امروز به پایة او نیامده است، در غزل با سعدی همدوش است، در قصاید شهرت چندانی ندارد، ولی... از ظهیر و کمال یک قدم عقب نیست...“^۳.

با این‌که شبلی نعمانی سعی کرده است که منصفانه قضاوت کند و سخن او دربارهٔ خمسه‌سرایی امیر خسرو کاملاً پذیرفتنی است، اما دربارهٔ قالب‌های دیگر، حداقل در غزل با سعدی همدوش نیست، به ویژه که سعدی خود از نظر جامعیت در انواع ادبی در نثر با کتاب گلستان و در مثنوی با بوستان و دو غزل شیرین و قصاید اندرزی و قطعه و رباعی در شعر فارسی کمتر نظیری برای او می‌توان یافت.

همین قدر می‌توان گفت که در غزل پیرو سعدی است و شراب خمخانهٔ سعدی را به گردش درآورده است. اما اشعار عاشقانه و پرسوز و گداز و همراه با عجز و نیاز

امیر خسرو نیز خواندنی است، مثل:

خسرو است و شب و افسانه و یار و هر بار

قدری گرید و پس بر سر افسانه رود

*

ای آشنا که گریه‌کنان پند می‌دهی آب از برون مریز که آتش به جان گرفت

*

گرشمه چند کنی بر من آخر این جان است

نمی‌دمد ز زمیسن و صبا نمی‌آرد

۱. شبلی نعمانی، شمس‌العلماء محمد شبلی: شعر العجم، ج ۲، ص ۹۷

۲. همان، ص ۱۱۰.

۳. جامی خراسانی، مولانا نورالدین عبدالرحمن: بهارستان، ص ۸۸

در قصیده‌سرایی نیز می‌توان گفت اگرچه تتبع آثار شاعرانی چون انوری و خاقانی و کمال‌الدین اسماعیل کرده، ولی تشبیهات و مضامین تازه و مؤثر در اشعار او کم نیست.

به هر حال امیر خسرو بر زبان و واژگان فارسی و حوزه معانی واژه‌ها تسلط ویژه‌ای دارد و اشعارش آکنده از واژه‌ها و ترکیبات تازه و نوساخته است. برای نمونه به این چند ترکیب از شیرین و خسرو توجه کنید:

آب خیز: طوفان؛ آبستنی‌گاه؛ زمان بارداری؛ آبگین فام؛ نرم و لطیف؛ آرزو کوش؛ آتش فام.

اما برای امیر خسرو فراتر از نظم و نثر فارسی هنرهای دیگری نیز برشمرده‌اند، مثلاً در شعرالعجم به نقل از تقی اوحدی در عرفات آمده است که:

"از تراوش‌های طبع امیر آن‌قدر که در فارسی هست همان‌قدر هم در برج بهاکا (یکی از زبانهای بومی هند) وجود دارد".^۱

او همچنین افسوس خورده است که امروزه از این مجموعه حتی نام و نشانی هم نیست. در سانسکریت او را دارای قدرتی بسزا دانسته و سپس در تئوئوسی و تدوین کتابی در قاعده و اصول فارسی، معروف به اعجاز خسروی در سه جلد اشاره کرده و همچنین او را در موسیقی صاحب لقب «نایک» شمرده است و گفته است که او موسیقی ایرانی و هندی را ترکیب کرده و خود ۱۳ پرده و آهنگ پدیدآورده است.^۲

به نظر می‌رسد آنچه درباره مهارت و آثار امیر خسرو به زبان‌های هندی از قول عرفات نقل شده، بیشتر برپایه حدس و گمان باشد تا واقعیت. یعنی چون امیر خسرو در هندوستان زندگی کرده و دارای اینهمه ذوق و استعداد بوده و بر زبان‌های فارسی و ترکی و عربی و هندی تسلط داشته، گفته‌اند که باید آثاری نیز به هندی (هندوی) به وجود آورده باشد، وگرنه، اگر بتوان از میان رفتن همه آنها را پذیرفت، حداقل

می‌توان انتظار داشت که دیگر تذکره‌نویسان ایرانی و هندی از وجود چنین آثار فراوانی خبر می‌دادند. به هر حال اگر چنین مطالبی صحت داشته باشد، باید امیر خسرو را از نابغه‌های بزرگ شمرد. هر چند پدید آوردن آثاری به زبان‌های هندی، البته نه با این حجم و عظمت، دور از انتظار نیست، اما عجالتاً باید به اشعار فراوان فارسی که از او به جای مانده است اکتفا کرد. اینک به یک غزل او در «وسط الحیاة» توجه کنید:

ای باد برقع بر فکن آن روی آتشناک را

وی دیده گر صفرا کنم، آبی بزن این خاک را

ریزی تو خون بر آستان، شویم من از اشک روان

کالوده دیدن چون توان آن آستان پاک را

زان غمزه عزم کین مکن، تاراج عقل و دین مکن

تاراج دین تلقین مکن، آن هندوی بی‌باک را

سرهای سرداران دین، بستی چو بر فتراک زین

زین‌سان میفکن بر زمین، دنباله فتراک را

تا شمع حسن افروختی، پروانه وارم سوختی

پرده ذری آموختی، آن دامن صد چاک را

جانم چو رفت از تن برون، وصلم چه کاراید کنون

این زهر بگذشت از فسون، ضایع مکن تریاک را

گویوی درآمد گاه خواب اندر دل شب آفتاب

آن دم کز آه صبح تاب آتش زخم افلاک را

جنبه‌های هنری و آرایه‌پردازی در آثار امیر خسرو

یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز شعر امیر خسرو، توجه به آرایه‌های لفظی و معنوی لطیف و ظریف است، به طوری که با وجود ظاهری ساده و طبیعی، از ژرفای هنری شگفتی برخوردار است و صنایع در شعرش چنان هنرمندانه و طبیعی است که تا خواننده شعرش به دنبال صنعت نگردد، وجود آن را احساس نمی‌کند. او در زمینه آرایه‌پردازی‌های هنرمندانه نیز شاگرد موفق استادش، نظامی گنجوی است. برای نمونه فقط چند مثال می‌آوریم:

۱. شبلی نعمانی، شمس‌العلماء محمد شبلی: شعرالعجم، ج ۲، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۹۸.

استعاره توأم با ایهام

ز بهر آن چنین تاریک باشد خانه چشم که هرگز آفتاب من در این روزن نمی آید
در این بیت شاعر چشم را به خانه تشبیه کرده است، خانه‌ای که از روزن آن آفتابی
به درون نمی‌تابد. بجز این، آفتاب استعاره از معشوق است، که حضور او مایه روشنایی
چشم است. در عین حال مردمک تیره چشم به خانه تاریک تشبیه شده است.
دیگر سر آن نیست که من زهد فروشم ساقی قدحی باده که بر روی تو نوشم
«بر روی تو» ایهام دارد؛ یک معنی آن به سلامتی روی تو، دیگری در حضور تو و
مفهوم دیگر به خاطر فرونشاندن عطش عشق نسبت به رخسار توست.

تشبیه و تشخیص

دل من به زلف و رویت شد اسیر و چون نگرود

شب ماهتاب دزدی که به خانه‌ای درآید

در این بیت هم تمثیل یا اسلوب معادله وجود دارد که بعدها در سبک هندی
رایج شد، هم کلاً تشبیه مصرع اول به مصرع دوم و به عبارتی روشن‌تر دل به دزد و
زلف به شب و رخسار به مهتاب تشبیه شده است. (تشبیه ملفوف) اسیر شدن دل
تشخیص دارد و در عین حال اسیر شدن، استخدام نیز دارد چون وقتی که مصرع اول را
می‌خوانیم فقط در معنی گرفتار شدن دل در دام زلف است و دل بستن، اما چون مصرع
دوم را می‌خوانیم، گرفتار شدن و به اسارت افتادن دزد است که در شب مهتاب به دزدی
رفته است. در عین حال از لفظ و نشر مشوش در دو مصرع غافل نباید بود.

مثالی دیگر:

زلف او پهلوی خال لب او گویی از شهید مگس می‌داند

در این بیت ساده زلف استعاره مکنیه و تشخیص است. و شخصی است که کارش
دور کردن مگس است. خال به مگس تشبیه شده و لب به شهید.

پارادوکس یا تناقض نمایی

جان ز تن بردی و در جانی هنوز دردها دادی و درمانی هنوز

پارادوکس جمع کردن امور متناقض و ناساز با یکدیگر است. در مصرع نخست
معشوق آمده و جان عاشق را برده است، و در عین حال هنوز هم در جان شاعر

جای دارد. یعنی هم دشمن است و هم دوست. هم آمده و هم رفته، هم جانبر است و
هم در جان جای دارد. و در مصرع دوم، هم درد می‌دهد و هم درمان.

تضاد

آوردن کلماتی در بیت که با یکدیگر تضاد معنایی دارند در اشعار فارسی فراوان است،
اما گاهی به قول معروف جیغ می‌زند. اما در این بیت از امیر خسرو چنین نیست:
خردسالی به من کند بیداد ای بزرگان شهر داد دهید
در این بیت خردسالی با بزرگان و بیداد با داد تضاد دارد.

حسن تعلیل

یکی از صنایع زیبای شعر فارسی حسن تعلیل است که دلایل ادعایی و غیرواقعی
برای امری بیانورند. به بیت زیبای زیر توجه کنید:

سخن گر نه جان است بنگر به فروش چرا مردم مرده مانند خموش^۱

در این بیت به صورت ادعایی، سخن عین جان دانسته شده است و استدلال شده
که اگر عین جان نیست پس چرا مردگان خاموشند؟

صنعت قلب یا واژگونگی

در این صنعت شاعر با جابجایی کلمات در معنی آنها نیز تصرف و دگرگونی
ایجاد می‌کند و حتی در بیت زیر معنی را برعکس می‌کند:

کش در قلم، بنویس؛ قلم در کش، روی آن خط کشی، نادیده انگار.

سخن گز خود بر نیارد علم سکش در قلم، بلکه درکش قلم^۲

ارسال مثل

در اشعار امیر خسرو ابیاتی که به صورت مثل و ضرب‌المثل، شایع بوده و یا ساختمان
بیت کاملاً به صورت یک مثل غیرمشهور است آنقدر فراوان است که حجم زیادی از
ابیات را دربردارد و می‌تواند موضوع یک تحقیق مفصل قرار گیرد. فقط به چند نمونه که
از صفحات متوالی انتخاب شده توجه کنید:

۱. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود، آینه اسکندری، ص ۲۵

۲. همان، ص ۲۷

درخت از پی آن بود دیرپای که پاش از سکونت نجنبید ز جای^۱
*
کسی را به نقد دغل رای نیست سفالینه را در گره جای نیست^۲
*
گدایی که هست از هنر بهره‌ور به از پادشاهزاده بی‌هنر^۳
*
بیداری یاسبان بی‌مزد گنجینه برد به شرکت دزد^۴
*
شب کور بود عسس چو در کوی از دزد خورد طپانچه بر روی^۵
*
ایمن بود از شکنجه درویش زر هرچه که بیشتر بلا بیش^۶

جمع بندی

بدون تردید امیر خسرو از شاعران موفق زبان فارسی است و در سیر و تحول شعر فارسی نقش مهمی داشته است. آنچه خود او درباره اشعار خود نوشته بسیار منصفانه و حتی کمتر از حد اوست و بیانگر خوی کریمانه و متواضعانه او می‌باشد. در دیباچه غرّةالکمال نوشته است:

"هرچه در مواعظ و حکم گفته‌ام، حکم آن متابع طبیعت سنایی و خاقانی است و آنچه مثنوی و غزل روان کرده‌ام، آن اتباع طبایع نظامی و سعدی است و آنچه مقطعات و رباعیات و معما و لغز است، غباری از وجود من خاکی است. و اما

۱. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: آینه اسکندری، ص ۳۷.
۲. همان، ص ۳۸.
۳. همان، ص ۳۸.
۴. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: معجون و لیلی، ص ۵۵.
۵. همان، ص ۶۰.
۶. همان، ص ۶۲.

نثر بنده طبیعت خامه است که با هیچ عنصری عینیت ندارد و خاص خلاصه جوهر من است:

چون پسرو طرز هر سوادم پس شاگردم، نه استادم^۱

اما باید گفت با این‌که ظاهراً در خانواده‌ای ترک زبان به دنیا آمده و در محیطی هندی زبان و خارج از حوزه زبان و شعر فارسی رشد کرده است و با این‌که از آغاز استاد مسلمی نداشته است، اما پس از نظامی بهترین خمسه را سروده و در طرح دوباره آثار نظامی و رواج خمسه‌سرایی نقش اساسی داشته است. در جامعیت آثار و سرودن شعر در تمامی قالب‌ها و نثرنویسی، از تقلید به استادی رسیده و مطالب و لغات تازه و ترکیبات نو آفریده و آرایه کلام در سخنش فراوان و کم‌نظیر است. علاوه بر اینها نقش برجسته امیر خسرو در رواج و توسعه هرچه بیشتر شعر فارسی در شبه قاره را نباید نادیده گرفت، او با اینکه از سبک وقوع و سبک هندی فاصله بسیار دارد، شیوه سخنش او به نحوی است که وی را آغازگر این سبک‌ها دانسته‌اند.

منابع

۱. جامی خراسانی، مولانا نورالدین عبدالرحمن: بهارستان، به کوشش ی. ادیب، انتشارات صابر، تهران، ۱۳۶۹ ه.ش.
۲. جامی خراسانی، مولانا نورالدین عبدالرحمن: نغمات الانس، تصحیح محمود عابدی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰ ه.ش.
۳. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: آینه اسکندری، چاپ آکادمی علوم شوروی، بخش ادبیات خاور، مسکو، ۱۹۷۷ م.
۴. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: خمسه خسرو، با مقدمه احمد اشرفی، انتشارات شقایق، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
۵. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: معجون و لیلی، به کوشش ظاهر احمد اوغلی، محرم آوف، اداره انتشارات دانش، مسکو، ۱۹۶۴ م.

۶. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: هشت بهشت، تصحیح جعفر افتخار، چاپ ادبیات خاور، مسکو، ۱۹۷۴ م.
۷. شبلی نعمانی، شمس‌العلما محمد شبلی: شعرالعجم، ترجمه محمد تقی فخر داعی، دنیای کتاب، تهران، چاپ دوم ۱۳۶۳ ه.ش.
۸. شفق تبریزی، [دکتر] صادق رضازاده: تاریخ ادبیات ایران، نشر دانشگاه شیراز، شیراز، چاپ دوم ۱۳۵۲ ه.ش.
۹. صفای سمنانی، [دکتر] ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، تهران، چاپ ششم ۱۳۶۹ ه.ش.
۱۰. فکرت، محمد آصف: گزیده آثار امیر خسرو بلخی، کابل، ۱۳۵۳ ه.ش.
۱۱. قویم‌الدوله، علی اکبر: امیر خسرو دهلوی عارف جلیل و شاعر نامی پارسی‌گویان هند، اقبال، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی